



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

اصطلاحات گردشگری به انگلیسی + مثال و ترجمه

ارسال شده توسط مصطفی ساهری | مقالات زبان انگلیسی | ۳۰۸ک بازدید | ۱۴۰۵/۰۲/۱۵



اصطلاحات گردشگری به انگلیسی یعنی چه؟

وقتی می‌گوییم اصطلاحات گردشگری به انگلیسی، منظور فقط چند جمله آماده برای سفر نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از واژگان و عباراتی است که در موقعیت‌های واقعی مثل سایت‌های گردشگری، تورها، جاذبه‌ها، بلیت‌ها و راهنماها استفاده می‌شوند و به همین دلیل است که اصطلاحات توریسم در [آموزش زبان انگلیسی](#) اهمیت زیادی دارند.

این اصطلاحات کمک می‌کنند:

- تابلوها و اطلاعات را بهتر بفهمید
- درک بهتری از تورها و برنامه سفر داشته باشید
- مثل یک توریست حرفه‌ای رفتار کنید، نه صرفاً یک مبتدی

موضوعات این مقاله

۱ اصطلاحات گردشگری به انگلیسی یعنی چه؟

۲ توریست، گردشگر و رشته گردشگری به انگلیسی

۳ مهم‌ترین واژگان عمومی گردشگری به انگلیسی

۴ اصطلاحات مربوط به جاذبه‌های گردشگری

۵ اصطلاحات تور و برنامه سفر

۶ اصطلاحات رزرو و بلیت

۷ اصطلاحات تابلوها و علائم گردشگری

۸ اصطلاحات حرفه‌ای گردشگری به انگلیسی

۹ متن کوتاه انگلیسی درباره گردشگری

۱۰ جمع بندی اصطلاحات گردشگری به انگلیسی

۱۱ سوالات متداول

توریست، گردشگر و رشته گردشگری به انگلیسی

tourist

توریست

I met many **tourists** in the city center.

من توریست‌های زیادی را در مرکز شهر دیدم.

traveler

مسافر / گردشگر (عمومی‌تر از tourist)

She is an experienced **traveler**.

او یک مسافر باتجربه است.

visitor

بازدیدکننده

The museum welcomes thousands of **visitors** every day.

موزه هر روز از هزاران بازدیدکننده استقبال می‌کند.

tourism

گردشگری

Tourism is important for the local economy.

گردشگری برای اقتصاد محلی مهم است.

tourism management

مدیریت گردشگری

He studies **tourism management** at university.

او در دانشگاه مدیریت گردشگری می خواند.

بیشتر بخوانید: آموزش انگلیسی در سفر

مهم ترین واژگان عمومی گردشگری به انگلیسی

destination

مقصد

Paris is a popular travel **destination**.

پاریس یک مقصد محبوب برای سفر است.

attraction

جاذبه گردشگری

This beach is a major **tourist attraction**.

این ساحل یک جاذبه مهم گردشگری است.

landmark

مکان شاخص / نماد شهر

The Eiffel Tower is a famous **landmark**.

برج ایفل یک مکان نمادین معروف است.

itinerary

برنامه سفر

We planned our **itinerary** before the trip.

ما قبل از سفر برنامه سفرمان را تنظیم کردیم.

sightseeing

بازدید از جاهای دیدنی

We spent the day **sightseeing**.

ما روز را به بازدید از جاهای دیدنی گذرانیدیم.

اصطلاحات مربوط به جاذبه‌های گردشگری

historic site

مکان تاریخی

This is one of the oldest **historic sites** in the country.

این یکی از قدیمی‌ترین مکان‌های تاریخی کشور است.

viewpoint

نقطه دید / چشم‌انداز

The **viewpoint** offers a beautiful view of the city.

این نقطه دید منظره زیبایی از شهر ارائه می دهد.

old town

بخش قدیمی شهر

We walked around the **old town** in the evening.

ما عصر در بخش قدیمی شهر قدم زدیم.

entrance fee

هزینه ورودی

The **entrance fee** is ۱۰ euros.

هزینه ورودی ۱۰ یورو است.

opening hours

ساعات کاری

Check the **opening hours** before visiting.

قبل از بازدید، ساعات کاری را بررسی کن.

بیشتر بخوانید: مکان ها در زبان انگلیسی

اصطلاحات تور و برنامه سفر

tour guide

راهنمای تور

The **tour guide** explained everything clearly.

راهنمای تور همه چیز را واضح توضیح داد.

group tour

تور گروهی

We joined a **group tour** to save money.

برای صرفه جویی در هزینه، به یک تور گروهی پیوستیم.

day trip

سفر یک روزه

We took a **day trip** to the mountains.

ما یک سفر یک روزه به کوه‌ها داشتیم.

pickup point

محل سوار شدن

The **pickup point** is in front of the hotel.

محل سوار شدن جلوی هتل است.

meeting point

محل ملاقات

Let's meet at the **meeting point** at ۹.

بیایید ساعت ۹ در محل ملاقات همدیگر را ببینیم.

بیشتر بخوانید: کشورها و ملیت‌ها به انگلیسی

اصطلاحات رزرو و بلیت

reservation

رزرو

I made a **reservation** online.

من به صورت آنلاین رزرو انجام دادم.

availability

در دسترس بودن

Please check room **availability**.

لطفا در دسترس بودن اتاق را بررسی کنید.

confirmation

تأیید

I received a booking **confirmation** email.

من ایمیل تایید رزرو را دریافت کردم.

cancellation policy

قوانین کنسلی

Read the **cancellation policy** carefully.

قوانین کنسلی را با دقت بخوان.

non-refundable

غیر قابل استرداد

This ticket is **non-refundable**.

این بلیت قابل استرداد نیست.

بیشتر بخوانید: مکالمه در هتل به انگلیسی

اصطلاحات تابلوها و علائم گردشگری

no entry

ورود ممنوع

The sign says “**No entry**”.

تابلو نوشته «ورود ممنوع».

staff only

فقط برای کارکنان

This area is for **staff only**.

این قسمت فقط مخصوص کارکنان است.

tickets sold out

بلیت‌ها تمام شده

Sorry, **tickets are sold out**.

متاسفم، بلیت‌ها تمام شده‌اند.

information desk

میز اطلاعات

Ask at the **information desk** for help.

برای کمک از میز اطلاعات بپرس.

queue here

اینجا صف بکشید

Please **queue here**.

لطفا اینجا صف بکشید.

بیشتر بخوانید: **کلمات حمل و نقل به انگلیسی**

اصطلاحات حرفه‌ای گردشگری به انگلیسی

off the beaten path

خارج از مسیرهای توریستی معمول

We explored villages that are **off the beaten path**.

ما روستاهایی را کشف کردیم که خارج از مسیرهای توریستی معمول بودند.

hidden gem

مکان کمتر شناخته شده اما ارزشمند

This beach is a **hidden gem**.

این ساحل یک مکان فوق العاده و کمتر شناخته شده است.

peak season

فصل شلوغی

Flights are expensive during **peak season**.

پروازها در فصل شلوغی گران هستند.

off-season

فصل کم‌گردشگر

Hotels are cheaper in the **off-season**.

هتل‌ها در فصل کم‌گردشگر ارزان‌تر هستند.

tourist trap

مکان توریستی گران و اغلب بی کیفیت

That shop is just a **tourist trap**.

آن مغازه فقط یک تله توریستی است.

fully booked

کاملاً پر / رزرو شده

All hotels are **fully booked** this weekend.

همه هتل‌ها این آخر هفته کاملاً پر هستند.

travel insurance

بیمه سفر

Travel insurance can save you money in emergencies.

بیمه سفر می‌تواند در شرایط اضطراری برای پول صرفه جویی کند.

local hotspot

مکان محبوب بین مردم محلی

This restaurant is a **local hotspot**.

این رستوران بین مردم محلی خیلی محبوب است.

guided experience

تجربه همراه با راهنما

We booked a **guided experience** in the city.

ما یک تجربه همراه با راهنما در شهر رزرو کردیم.

cultural immersion

غرق شدن در فرهنگ محلی

Traveling helps with **cultural immersion**.

سفر به درک عمیق فرهنگ کمک می‌کند.

bucket list

لیست کارهایی که قبل از مرگ باید انجام داد

Visiting Japan is on my **bucket list**.

سفر به ژاپن در لیست آرزوهای من است.

scenic route

مسیر خوش منظره

We took the **scenic route** along the coast.

ما مسیر ساحلی و خوش منظره را انتخاب کردیم.

travel light

سبک سفر کردن (وسایل کم برداشتن)

I prefer to **travel light**.

من ترجیح می دهم سبک سفر کنم.

jet lag

به هم‌ریختگی ساعت بدن بعد از پرواز

I felt tired because of **jet lag**.

به خاطر اختلاف ساعت احساس خستگی داشتم.

check something off your list

یک هدف یا آرزو را انجام دادن (چیزی را از لیستت خط زدن)

I finally checked this place off my list.

بالاخره این مکان را از لیستم تیک زدم.

travel buddy

همسفر

She is my favorite **travel buddy**.

او همسفر مورد علاقه من است.

spontaneous trip

سفر ناگهانی و بدون برنامه

We took a **spontaneous trip** last weekend.

آخر هفته یک سفر ناگهانی رفتیم.

once-in-a-lifetime trip

سفری که فقط یک بار در عمر اتفاق می افتد

It was a **once-in-a-lifetime trip**.

این یک سفر خاص و تکرارنشدنی بود.

long-haul flight

پرواز طولانی

The **long-haul flight** was exhausting.

پرواز طولانی خسته کننده بود.

short getaway

سفر کوتاه تفریحی

We planned a **short getaway**.

ما یک سفر کوتاه برنامه ریزی کردیم.

travel vlog

ولاگ در سفر

He uploads **travel vlogs** on YouTube.

ولاگ های کوتاه سفر در یوتوب منتشر می کند.

local cuisine

غذای محلی

You should try the **local cuisine**.

باید غذای محلی را امتحان کنی.

must-see

جایی که حتما باید دید

This museum is a **must-see**.

این موزه حتما باید دیده شود.

breathtaking view

منظره نفس گیر (از شدت زیبایی)

The mountain has a **breathtaking view**.

این کوه منظره‌ای فوق‌العاده دارد.

wander around

بی‌هدف گشتن

We **wandered around** the city.

ما در شهر بی‌هدف گشتیم.

get lost (in a place)

در جایی گم شدن (معمولا لذت بخش)

I **got lost** in the old streets.

در خیابان‌های قدیمی گم شدم.

soak up the atmosphere

لذت بردن از حال و هوای یک مکان

We sat and **soaked up the atmosphere**.

نشستیم و از حال و هوای آنجا لذت بردیم.

travel on a budget

کم هزینه سفر کردن

You can **travel on a budget** in Asia.

می‌توانی در آسیا با هزینه کم سفر کنی.

overbooked

بیش از ظرفیت رزرو شده

The flight was **overbooked**.

پرواز بیش از ظرفیت رزرو شده بود.

delayed

تاخیر داشتن

Our flight was **delayed** for two hours.

پرواز ما دو ساعت تأخیر داشت.

missed connection

از دست دادن پرواز یا وسیله بعدی

We **missed** our connection flight.

ما پرواز بعدی مان را از دست دادیم.

travel advisory

هشدار سفر

Check the **travel advisory** before going.

قبل از سفر هشدارهای سفر را بررسی کن.

local customs

آداب و رسوم محلی

Respect **local customs**.

به آداب و رسوم محلی احترام بگذار.

exchange rate

نرخ ارز

The **exchange rate** is high now.

نرخ ارز الان بالاست.

duty-free

معاف از مالیات

I bought perfume at the **duty-free** shop.

من عطر را از فروشگاه بدون مالیات خریدم.

travel essentials

وسایل ضروری سفر

Don't forget your **travel essentials**.

وسایل ضروری سفر را فراموش نکن.

backpacking

سفر با کوله پشتی

He is **backpacking** across Europe.

او با کوله پشتی در اروپا سفر می کند.

road trip

سفر جاده‌ای

We went on a **road trip** last summer.

تابستان گذشته یک سفر جاده‌ای رفتیم.

layover

توقف بین پروازها

We had a long **layover** in Dubai.

ما در دبی توقف طولانی داشتیم.

travel fatigue

خستگی سفر

Travel fatigue is real after long trips.

خستگی سفر بعد از سفرهای طولانی واقعی است.

[بیشتر بخوانید: آموزش اسلنگ انگلیسی](#)

متن کوتاه انگلیسی درباره گردشگری

Tourism allows people to explore new cultures and places. It helps local economies grow and creates jobs. Many travelers enjoy discovering new food, traditions, and landscapes. However, responsible tourism is important to protect nature and local communities.

گردشگری به افراد اجازه می‌دهد فرهنگ‌ها و مکان‌های جدید را کشف کنند. این صنعت به رشد اقتصاد محلی کمک می‌کند و شغل ایجاد می‌کند. بسیاری از مسافران از کشف غذاها، سنت‌ها و مناظر جدید لذت می‌برند. با این حال، گردشگری مسئولانه برای حفاظت از طبیعت و جوامع محلی مهم است.

جمع بندی اصطلاحات گردشگری به انگلیسی

اصطلاحات گردشگری به انگلیسی فقط برای صحبت کردن نیستند، بلکه به شما کمک می‌کنند محیط سفر را بهتر درک کنید و حرفه‌ای‌تر رفتار کنید. با یادگیری این واژگان، می‌توانید تابلوها، تورها، برنامه‌ها و موقعیت‌های واقعی را راحت‌تر بفهمید. اگر این اصطلاحات را بلد باشید، تجربه سفر ساده‌تر، لذت‌بخش‌تر و کاملاً متفاوت می‌شود.

سوالات متداول

گردشگری به انگلیسی چه می‌شود؟

Tourism

توریست به انگلیسی چیست؟

Tourist

فرق traveler و tourist چیست؟

Tourist معمولا برای سفر تفریحی است، اما traveler عمومی‌تر است.

آیا این اصطلاحات برای مکالمه کافی هستند؟

برای درک محیط عالی‌اند، اما برای مکالمه کامل باید جملات بیشتری یاد بگیرید.